

<https://doi.org/10.30510/psi.2022.342698.3491>

One of the most important rules and rules of jurisprudence that exist in various areas of internal and external relations of Muslims is the rule of negation of the mustache and has a lasting role and influence on the behavior, decisions and macro policies of the Islamic system. This principle has a very important place in the foreign relations of the Islamic State with foreigners. The denial of oppression of the Muslim people and the preservation of independence and the denial of dependence on foreigners is the foundation of this rule in the foreign policy of the Islamic Republic. The Iranian constitution also denies any hegemony and domination. In this article, descriptive-analytical method and data and information have been collected using relevant library and Internet resources. The research findings indicate that this rule is never an obstacle to establishing relations with regional or global economic or military powers, and that the Islamic world is allowed to establish relations with other countries and powers to the extent that foreign domination over the affairs and destiny of countries. Do not end Islamic.

نقش قاعده نفی سبیل در سیاستگذاری خارجی جمهوری اسلامی و روابط بین الملل

غلامرضا خواجه سروی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۱۰

عاطفه ابراهیمی سر و علیا^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۰۷

چکیده

از مهم ترین قواعد و احکام فقهی که در عرصه های مختلف روابط داخلی و خارجی مسلمانان وجود دارد، قاعده نفی سبیل است و نقش پایدار و تأثیرگذاری بر رفتار، تصمیمات و سیاست های کلان نظام اسلامی دارد. این اصل در روابط خارجی دولت اسلامی با بیگانگان جایگاه بسیار مهمی دارد. نفی ظلم و ستم بر مردم مسلمان و حفظ استقلال و نفی وابستگی نسبت به بیگانگان شالوده و اساس این قاعده در سیاست خارجی جمهوری اسلامی است. قانون اساسی ایران نیز هرگونه سلطه گری و سلطه پذیری را نفی کرده است. بررسی حاضر در راستای اثبات این مساله است که این اصل به عنوان پایه های تأمین استقلال جامعه و همچنین جلوگیری از سلطه اقتصادی، سازه های سیاست خارجی و کلان جمهوری اسلامی ایران را شکل می دهد. روش تحقیق در این مقاله، روش توصیفی -تحلیلی و داده ها و اطلاعات با استفاده از منابع کتابخانه ای و اینترنتی مربوط جمع آوری شده است. یافته های تحقیق براین دلالت دارند که قاعده مذکور هرگز مانعی برای برقراری روابط با قدرت های برتر اقتصادی یا نظامی منطقه ای یا جهانی نیست و مجوز برقراری رابطه جهان اسلام با دیگر کشورها و قدرت ها تا بدان جا درست و منطقی است که به سلطه بیگانگان بر امور و سرنوشت کشورهای اسلامی ختم نشود.

واژگان کلیدی قاعده نفی سبیل، سیاستگذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران، تعاملات ایران با دولتهای اسلامی و غیر اسلامی، سلطه، قانون اساسی

^۱ استادیار و عضو هیات علمی - دانشگاه علامه طباطبائی

^۲ فارغ التحصیل رشته فقه مقارن و حقوق جزا - دانشگاه مذاهب اسلامی تهران

قواعد و احکام عمومی فقه از دو جنبه دخالت در امور داخلی و خارجی، قابل نگرش هستند؛ قاعده نفی سبیل به عنوان یک اصل فقهی، تأثیر فراوانی بر ذهنیت و دستگاه فکری نخبگان دینی - سیاسی و اجرایی جمهوری اسلامی ایران گذاشته است. براساس این قاعده، خداوند در قوانین و شریعت اسلام هیچ‌گونه راهی را برای نفوذ و تسلط کفار بر مسلمین باز نگذاشته است. مبنای این اصل آیات ۴۱، ۴۳ و ۴۴ سوره نساء و حدیث معتبر اعتلا است. در میان فقهای اسلامی امام خمینی (رحمه الله علیه) در نوشته‌ها و اقدامات خود در عرصه حکومت، بیشترین توجه را به این اصل مبذول داشته و ضمن برشمردن آن به عنوان یکی از قواعد فقهی در استنباط آموزهای سیاسی اسلام، آن را از جنبه سلبی و ایجابی مورد توجه قرار می‌دهد. جنبه سلبی این قاعده نفی ظلم و ستم و استبداد و استعمار برای حفظ استقلال و نفی وابستگی می‌باشد و جنبه ایجابی آن نیز حفظ نظام اسلامی و ارتقاء منزلت جمهوری اسلامی نزد مسلمانان و مستضعفان جهان است.

موضوع تحریم تنباکو و کاپیتولاسیون (توسط میرزای شیرازی و امام خمینی) و اصل نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی در سیاست خارجی، برآمده از چنین قاعده‌ای است. قانون اساسی ایران در اصول متعدد خود با استناد به نفی سبیل به خصوص در سیاست خارجی، رفتار سیاسی دستگاه دیپلماسی ایران را طراحی و جهت‌دهی می‌کند.

۱. اسلام و قاعده نفی سبیل

از منظر اسلام، حفظ اعتلا و برتری مسلمانان و نظام حکومت دینی یک اصل اساسی و یک هدف مهم محسوب می‌شود. در دیدگاه فقه اسلامی، خصوصاً فقه امامیه، سلطه و چیرگی دشمنان بر جامعه اسلامی و مسلمانان امری نارواست و برتری کفار بر مسلمین چه در نظام تکوین و چه در نظام تشریح ممکن و پذیرفتنی نیست. با توجه به این عقیده هرگونه مبادلات و مراوداتی که باعث افزایش و گسترش نفوذ غیرمسلمانان و بیگانگان در جامعه اسلامی گردد به نحوی که آنان بتوانند در امور مسلمین دخالت کنند، ممنوع و ناصحیح تلقی می‌شود.

اندیشمندان و فقهای اسلامی برای حفظ عزت و عظمت مسلمانان با استناد به آیات قرآن کریم و روایات معصومین (علیهم السلام) قاعده فقهی‌ای را به عنوان قاعده نفی سبیل تأسیس کرده‌اند. از نظر سیاسی پذیرفتن تحت‌الحمایگی، نفی ظلم و استبداد و استعمار، جایز نبودن مداخله بیگانگان در امور داخلی کشورهای اسلامی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی مورد تأکید است و از نظر نظامی تسلط بر مقدرات و تدبیر نظامی را نیز در بر می‌گیرد. در ضمن، عدم وابستگی اقتصادی و جلوگیری از نفوذ فرهنگی و منع استشاره و مشورت در حوزه‌های فرهنگی و نظامی در روابط خارجی مدنظر است. این قاعده بیانگر دو جنبه ایجابی و سلبی است که جنبه سلبی آن ناظر بر نفی سلطه بیگانگان بر مقدرات و سرنوشت سیاسی و اجتماعی مسلمانان و جنبه ایجابی آن بیانگر وظیفه دینی امت اسلامی در حفظ استقلال سیاسی و از بین بردن زمینه‌های وابستگی است. بنابراین، کفار در هیچ زمینه‌ای نمی‌توانند شرعاً بر سرنوشت مسلمانان مسلط باشند. خداوند هرگز (نه در گذشته و نه در آینده) برای کافران راه تسلط بر اهل ایمان را باز نگذاشته است. (نساء / ۱۴۱) منظور این آیه بسته شدن راه تسلط تشریحی و تقنینی کفار نسبت به مسلمانان است؛ یعنی قوانین فقه و حقوق بین‌الملل

اسلامی هیچ‌گونه راه تسلط کفار و غیر مسلمان بر سرنوشت و حیات سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی مسلمانان را شرعاً و عقلاً مجاز و روا نمی‌شمارد. اهم عناوین ذیل مجموعه اصل نفی سبیل در فقه اسلامی متقدم و مورد قبول و توافق قاطبه فقهای اسلامی بدین شرح است: الف) جایز نبودن ولایت غیر مسلمان بر مسلمان؛ ب) جایز نبودن مشورت از غیر مسلمان در امور مسلمین؛ ج) سقوط حق قصاص غیر مسلمان؛ د) عدم جواز تزویج غیر مسلم با مسلم؛ ه) عدم ثبوت حق شفعه برای غیر مسلم.

اگرچه این اصول بر سیاست داخلی دولت‌های اسلامی نیز حاکم است، اما علی‌الاصول اصل نفی سبیل و زیر مجموعه فقهی آن از مبانی بنیادی و پایدار سیاست خارجی دولت اسلامی محسوب می‌شود. قرآن کریم در آیات متعدد، مسلمانان را از اینکه کافران اولیای آنان باشند، برحذر می‌دارد. از نظر قرآن نباید مسلمانان در ابراز عواطف و دوستی با بیگانگان چنان به راه افراط قدم نهند و به لحاظ فکری به چنین تصمیمی برسند که حاضر شوند امور مهم زندگی خود را به آنان واگذارند. به باور فقها، قاعده نفی سبیل در ابواب و زمان‌های مختلف کاربرد دارد. هنگامی که شرایطی در بلاد اسلامی حاکم شود و زمینه نفوذ و سلطه کفار بر مسلمانان را فراهم آورد، این قاعده حکم احکام اولیه را خواهد داشت و احکام دیگر را لغو و خود حکم مسلم و مسلط بر سرنوشت مسلمانان خواهد بود. برای نمونه فقها معتقدند اصل وفای به عهد با همه اهمیت خود، اگر نفوذ و سلطه کفار بر فرد مسلمان یا مسلمانان را فراهم کند، ملغی و ابطال می‌شود. بدین‌سان اصل نفی سبیل در مباحث سیاسی و به ویژه در روابط خارجی دولت اسلامی با بیگانگان، مورد تأکید فراوان است. تا جایی که هیچ فقهی را در عالم اسلام به خصوص فقهای شیعه نمی‌توان یافت که قاعده نفی سبیل را در روابط خارجی دولت‌های اسلامی نادیده گرفته و جواز برقراری روابط بیش از حد متعارف و معمول را آن هم به منظور رفع نیازهای مسلمانان مجاز شمرده باشد. نگاهی گذرا به تاریخ سیاسی فقهای شیعه حکایت از آن دارد که آنان پای هیچ سند استعماری را امضا نکرده‌اند.

۲. قاعده نفی سبیل و سیاست خارجی دولت اسلامی

از آنجا که ایدئولوژی عامل مهمی در سیاست خارجی محسوب می‌شود، در سیاست خارجی دولت اسلامی، نقش مکتب اسلام، اصول و ارزش‌های برآمده از آن و دیدگاه‌های فقیهان و اندیشمندان اسلامی در این خصوص تعیین‌کننده است. همان‌گونه که خصلت‌های فرهنگی و ایدئولوژیک ممکن است در سیاست خارجی هر کشور تأثیرگذار باشد، هر دولت اسلامی نیز به دنبال تحقق ارزش‌های مکتبی و توحیدی در چارچوب و اهداف سیاست خارجی خویش است. شاید در قرآن کریم پس از موضوع جهاد در سیاست خارجی دولت اسلامی، بر هیچ مسئله سیاسی دیگری نظیر نفی ولایت غیر مسلمانان بر مسلمان تأکید نشده باشد. التزام به این اصل می‌تواند راه نفوذ و سلطه کفار بر مسلمین و ضربه بر استقلال آنان در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی را مسدود نماید.

۲-۱. نفی سبیل و توسعه اقتصادی کشور

اقتصادی را می‌توان موجب توسعه و پیشرفت دانست که سالم باشد؛ یعنی اقتصادی که قائم به ذات، بی‌عیب و مستقل باشد. جامعه اسلامی باید بنیة اقتصادی سالمی داشته باشد؛ از نظر اسلام، اهداف اسلامی بدون اقتصاد سالم غیر قابل تأمین است. اسلام می‌خواهد

غیر مسلمان بر مسلمان تسلط و نفوذ نداشته باشد. این هدف هنگامی میسر است که ملت مسلمان در اقتصاد نیازمند نبوده و دستش به طرف غیر مسلمان دراز نباشد، وگرنه نیازمندی با اسارت و بردگی ملازم است، ولو آنکه اسم بردگی در کار نباشد.

هر ملتی که از لحاظ اقتصاد دستش به طرف ملت دیگر دراز باشد، اسیر و برده او است و اعتباری به تعارف‌های دیپلماتیک معمولی نیست. امام علی (ع) می‌فرماید: محتاج هر که شوی اسیر او خواهی بود؛ بی‌نیاز از هر که گردی با او برابر خواهی شد و هر که را مورد نیکی و احسان خود قرار دهی فرمانروای او خواهی شد. بنابراین، تأثیر قاعده نفی سبیل بر توسعه اقتصادی و عدم وابستگی و سلطه کفار و بیگانگان، امری مسلم است؛ زیرا کفار با سلطه اقتصادی دو کار بزرگ انجام می‌دهند: اول آنکه کالاهای تولیدی خود را به مصرف مسلمانان در آورده و بازار خود را پویا نگه داشته و مسلمانان را نیز مصرف‌گرا بار می‌آورند. دوم آنکه با ارائه کالاهای غیر اسلامی، زمینه را برای گسترش فرهنگ غیر دینی و غیر اخلاقی فراهم می‌سازند تا به واسطه این کار، دایره سلطه را بیشتر و گسترده‌تر سازند. اما اجرای قاعده نفی سبیل، همه این امور را ریشه‌کن می‌کند. همان‌طور که فروعاً فقهی متعددی، در این زمینه وجود دارد که می‌خواهد اقتصاد کفار مریض و بدون پیشرفت باشد (رایگان، محمود و قاسمیان، رضا؛ ۱۳۹۵)

ناگفته نگذیریم که قاعده مذکور هرگز مانعی برای برقراری روابط با قدرت‌های برتر اقتصادی یا نظامی منطقه‌ای یا جهانی نیست. امروز رابطه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران با چین، روسیه و حتی اتحادیه اروپا که در بیشتر مواقع به لحاظ اقتصادی نیز نابرابر است این نگرش را تأیید می‌کند؛ زیرا اولاً اسلام آئین فطرت می‌باشد و هرگز با احساسات طبیعی و انسانی بشر سر ناسازگاری نداشته است، ثانیاً اسلام به این نکته اساسی توجه دارد که همیشه در جوی آرام و مالمال از تفاهم، بهتر می‌توان با مخالفان عقیدتی خود به بحث و گفتگو نشست و پیام آزادی‌بخش این دین الهی را به گوش آنها رساند. اما این قاعده مجوز برقراری رابطه جهان اسلام با دیگر کشورها و قدرت‌ها را تا بدان‌جا درست و منطقی می‌داند که به سلطه بیگانگان بر امور و سرنوشت کشورهای اسلامی ختم نشود. لازم به ذکر است که این موضوع فقط مربوط به روابط سیاسی جهان اسلام با دیگر دول عالم نیست. آنچه سلطه بیگانگان را در این کشورها تداوم بخشیده است، سلطه اقتصادی و ناتوانی این کشورها بر سرنوشت اقتصادی خود است. بنابراین امروز در جهان اسلام بیش از آنچه نگران سلطه سیاسی قدرت‌ها باشیم باید نگران سلطه اقتصادی آنان بر سرنوشت مسلمانان باشیم.

۲-۲. نفی سبیل و حمایت از مستضعفان جهان

به نظر می‌آید جایگاه قاعده نفی سبیل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تنها معطوف به خود نبوده است. بلکه این اصل زمینه‌ای برای دفاع از جهان اسلام و به طور کلی مستضعفان جهان تبدیل شده و در قالب ظلم‌ستیزی، مبارزه با استکبار جهانی و مواجهه با بی‌عدالتی‌های موجود در عرصه بین‌المللی نمود می‌یابد.

آیت‌الله خامنه‌ای رئیس‌جمهور وقت ایران نیز در سال ۱۳۶۶ در مجمع عمومی سازمان ملل ماهیت نظام سلطه جهانی را از نگاه انقلاب اسلامی و نفی سلطه را (نفی سبیل) بر سرنوشت ملل جهان خواهان و خواستار است. ایشان اظهار می‌دارد:

((پیام ما به همه ملت‌ها و دولت‌هایی که می‌خواهند مستقل و بی‌اعتنا به خواست و اراده سلطه‌های بزرگ جهانی بمانند این است که از آنان نترسند و به خود و ملت خود اعتماد کنند. به اعتبار دیگر، جهان به دو بخش سلطه‌گر و سلطه‌پذیر تقسیم شده است و

بخش اول خود را مالک سرنوشت بخش دوم می‌داند. نظام سلطه عبارت از وجود همین روابط نابرابر میان این دو بخش از جهان است. نظام سلطه، به میل خود، انقلاب‌ها را نفی و برای رژیم‌های انقلابی مشکل‌تراشی می‌کند. نظام سلطه علی‌رغم ملت‌ها، برای آنان تصمیم می‌گیرد. نظام سلطه، با مفاهیم به میل خود بازی می‌کند و آن را بر طبق مصالح خود تغییر می‌دهد و همه امکانات خود را برای جا انداختن آن به کار می‌برد. نظام سلطه منافع سلطه‌گران را مطلق و موجب نادیده انگاشتن منافع دیگران می‌شود.

دولت جمهوری اسلامی ایران به پیروی از اصول اعتقادی خود مبنی بر حمایت از مبارزه حق طلبانه ملت‌های مستضعف در برابر مستکبرین از اولین روزهای پیروزی انقلاب، کلیه روابط سیاسی و اقتصادی‌اش با این دولت‌ها را قطع کرد. (((بیانات مقام معظم رهبری، ۳۱ / ۶ / ۱۳۶۶)

۲-۳. نفی سبیل و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران براساس اصول و ضوابط اسلامی است. تقریباً تمام اصولی که در قانون اساسی ایران به سیاست خارجی آن مربوط می‌شود متأثر از قاعده نفی سبیل است. در همین رابطه در اصل ۱۵۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: «هرگونه قرارداد که موجب سلطه بیگانه بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگ، ارتش و دیگر شئون کشور گردد، ممنوع است.» در بند ششم اصل دوم اشعار می‌دارد: «نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری...» که مبین ابعاد داخلی و خارجی سیاست‌های جمهوری اسلامی است. همچنین در بند پنجم اصل سوم آمده است: «طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب.» اصول ذکر شده از قانون اساسی که براساس و به استناد قاعده فقهی - سیاسی نفی سبیل و متأثر از نگرش فقها و روحانیان شورای مقننین قانون اساسی تدوین شده است، نقش تأثیرگذار و پایدار در سیاست‌های کلان و برنامه‌ریزی‌های ملی ایران اسلامی داشته و دارد.

در بند هشتم اصل چهارم و سوم نیز برای تأمین استقلال جامعه جمله: «جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور» آورده شده است. این اصل در قالب سیاست نفی سبیل اقتصادی چهره می‌نماید و نقش بازدارندگی و آگاهی بخشی به ملت ایران و مسلمانان دارد. در جهت تضمین این هدف، اصل هشتادویکم قانون اساسی به صراحت بیان می‌دارد که: «دادن امتیاز تشکیل شرکت‌ها و مؤسسات در امور تجارتي، صنعتی و کشاورزی و معادن و خدمات به خارجی‌ان مطلقاً ممنوع است.» علاوه بر این، اصل هشتادودوم، گرفتن وام و کمک‌های بدون عوض را از دولت‌های خارجی منوط به تصویب مجلس شورای اسلامی می‌داند.

در ادامه، همین اصل با صراحت بیان می‌دارد: «استخدام کارشناسان خارجی از طرف دولت ممنوع است، مگر در موارد ضرورت، با تصویب مجلس شورای اسلامی» اصل ذکر شده را به نوعی می‌توان بعد اقتصادی قاعده نفی سبیل دانست که بعد از ابعاد فرهنگی و سیاسی از اهمیت و اولویت بالایی در روابط خارجی جمهوری اسلامی با سایر دولت‌های غیر اسلامی برخوردار است.

۳. نقش زمان و مکان در تحقق سبیل

مفهوم سبیل با اینکه مفهومی ثابت است؛ در تحقق و عینیت یافتن «مصدق»، متغیر و تابع شرایط زمانی، مکانی و فرهنگ‌ها است. این مفهوم به اقتضای پیچیده بودنش به شدت از شرایط و ظرفیت‌ها، متأثر است. چه بسا آنچه در گذشته مصداق سبیل بوده، در دوران معاصر مصداق سبیل نباشد و بالعکس.

از عناصر اثرگذار در صدق و عدم صدق سبیل، اختلاف فرهنگ‌ها است. به عنوان مثال ازدواج و ارتباط زناشویی از مقولاتی است که در میان ملت‌ها وضعیت مشابهی ندارد؛ در حالی که در برخی ملل و در برخی زمان‌ها امری ساده و کم اثر به شمار می‌رفته و می‌رود، در میان گروهی دیگر چنین نیست. مقایسه ازدواج در فرهنگ عربی آن در صدر اسلام با ازدواج ایرانی در زمان کنونی، مدعای مذکور را ثابت می‌کند.

پدیده ازدواج در فرهنگ عرب در صدر اسلام امری ساده و بسیط بود؛ زن و مرد کمتر از فرهنگ یکدیگر متأثر می‌شدند و زن در حاشیه زندگی مرد بود. بسیار اتفاق می‌افتاد که مرد در برگشت از محل کار به خانه به ازدواج اقدام می‌کرد. از این رو، به وفور دیده می‌شود که افرادی در نهایت وثاقت و سداد، دختران خود را به ازدواج مردانی در می‌آوردند که با آنها فاصله بسیار داشتند؛ یا از خانواده‌هایی دختر می‌گرفتند که اعتقادات و اندیشه آنها کاملاً متفاوت بود. طبیعی است در چنین محیطی ازدواج با کافر - جز در موارد استثنا - سبیل و راهی تعیین کننده برای نفوذ به حساب نیاید.

لکن ازدواج با فرهنگ ایرانی و در دوران معاصر از اصلی‌ترین شئون زندگی، با تأثیر و تأثر گسترده‌ای همراه است؛ به گونه‌ای که گاه اندک اختلاف فکری موجب گسست این پیوند می‌گردد. از این رو، نمی‌توان در چنین محیطی مقوله ازدواج را به عنوان سبیل و راه نفوذ و استیلا به حساب نیاورد. در چنین محیطی وقتی سخن از ازدواج دختر یا پسر مسلمان با غیر مسلمان اختلاف دینی یا سخن از ازدواج دختر مسلمان یا پسر مسلمان با مسلمان؛ اما با اختلاف مذهب است؛ نباید از قاعده نفی سبیل غافل ماند و تنها ادله خاصی که در این باره وارد شده است، مطمح نظر قرار داد.

در حکم به جواز یا منع ازدواج موقت در صورتی که شوهر مسلمان باشد نیز نباید از توجه به این قاعده غافل ماند. به راستی اگر این ازدواج راهی برای استیلا و نفوذ کفار بر مسلمانان باشد، آیا می‌توان به راحتی به جواز آن حکم داد؟ اختلاف مکان نیز از عناصر مؤثر بر تحقق سبیل و عدم آن است. از این رو، سپردن منصبی به کافر یا همکاری با وی در دارالکفر ممکن است مصداق سبیل نباشد اما همین واگذاری و همکاری در دارالاسلام مصداق سبیل به شمار آید برای مثال: همکاری گسترده دولت اسلامی با دولت غیر اسلامی یا ملت غیر مسلمان در بلاد کفر به تشخیص هیچ فرد و نهادی سبیل کافر بر مسلمان به حساب نمی‌آید. اختلاف حالات و عوارض، غیر از آنچه ذکر عناصر مؤثر بر صدق سبیل یا نفی آن است، که باید در مثل همکاری‌های علمی و فرهنگی و تبادل استاد و دانشجو مطمح نظر قرار گیرد و صد البته در این باره باید خارج از افراط و تفریط، داوری کرد.

۴. رابطه ایران با کشورهای دنیا

۴-۱. تعامل با دولت‌های غیراسلامی جهان سوم

جمهوری اسلامی ایران از بعد نفی سبیل و اصل تولی و تبری دولت‌های غیراسلامی، جهان سوم را به سه گروه دسته بندی و اولویت

بندی میکند: الف) دولتهای انقلابی و دارای سیاست مستقل از قدرتهای استکباری که در میان توده های مردم سرزمین خود نیز دارای پایگاه وسیع میباشند. جمهوری اسلامی ایران با این گروه روابط حسنه و صمیمانه برقرار کرده و در جهت پایداری چنین سیاستی آنها را تشویق و ترغیب میکند؛ کشورهایی همچون کوبا، ونزوئلا، کره شمالی در حال حاضر و نیکاراگوئه در دهه گذشته. ب) دولتهایی که لزوماً در اتخاذ سیاست بین المللی، با ایران همسویی ندارند، ولی با جمهوری اسلامی نیز سر عناد نداشته و مایل به داشتن روابط حسنه با ایران میباشند. با توجه به اینکه اکثر دولتها به علت فقر و وابستگی شدید اقتصادی و سیاسی، مجذوب و مرعوب دولتهای استکباری هستند، گسترش روابط تجاری و اقتصادی به آنها کمک میکند تا فرصت اتخاذ سیاست مستقل تری در برابر استکبار جهانی را به دست آورند. تمامی کشورهای

آفریقای جنوب صحرای کبیر، آسیای جنوبی، جنوب شرقی و آمریکای لاتین در این دسته اند. قاعده فقهی نفی سبیل، جمهوری اسلامی را به برقراری رابطه با این کشورها به منظور دوری جستن از سلطه قدرتهای استعماری و استکباری فرا میخواند. لذا، برقراری روابط دیپلماتیک و مناسبات حسنه با این گروه از کشورها الزامی است. ج) دولتهای معاند و نژادپرست که یا از لحاظ اتخاذ سیاستهای بینالمللی با جمهوری اسلامی در تضاد بوده و یا اینکه با توجه به سیاستهای نژادپرستانه اصولاً وجود آن دولتها در جهان سوم ساخته و پرداخته قدرتهای استکباری است، مانند دولت اشغالگر فلسطین (اسرائیل) و دولت نژادپرست سابق آفریقای جنوبی. جمهوری اسلامی نه تنها این نوع دولتها را به رسمیت نمیشناسد، بلکه تمام تلاش و توان خود را در جهت انزوا و تضعیف آنها به کار میبرد. (نیکومنش، بهرامی نژاد، فرید، ۱۳۹۹، ص ۱۱)

۲-۴. تعامل با کشور چین

۱-۲-۴. همکاری ایران با چین یک الزام راهبردی

اکنون که آمریکا در مقام یکی از بازیگران اصلی نظام بین الملل درصدد محدود کردن ایران است و اروپا هم تعاملات خود را به حداقل رسانده، شرایط ایجاب می کند که ایران با چین به عنوان دومین قدرت اقتصادی دنیا تعاملات و ارتباطات گسترده و راهبردی برقرار کند. بنابراین قرارداد همکاری راهبردی دو کشور در این وضعیت معنا پیدا می کند .

غلامرضا کریمی، عضو هیئت علمی گروه روابط بین الملل دانشگاه خوارزمی، درباره اهمیت سند همکاری ۲۵ ساله ایران و چین معتقد است که مؤلفه های قدرت ملی ایران به گونه ای است که بدون تعامل با محیط منطقه ای و بین المللی امکان قدرت یابی ایران وجود ندارد. به عبارت دیگر موقعیت جغرافیایی و فرهنگ سیاسی مردم ایران، که در طول سالها و قرن های متمادی شکل گرفته، همواره ایران را در موقعیتی قرار داده که الزاماً باید تعاملات و ارتباطات بین المللی داشته باشد. ایران ملزم به حضور فعال در عرصه بین المللی است. موقعیت ایران از کشورهای بسیاری که در یک محدوده جغرافیایی محصورند و حوزه کوچک تعاملاتی در عرصه بین المللی دارند متفاوت است. ایران بیش از ۱۵ همسایه مرزی دارد و بیش از ۵ میلیون ایرانی در خارج از کشور زندگی می کنند. لذا هویت جمعیتی و سرزمینی ایران این الزام را ایجاد می کند که تعاملات بین المللی و منطقه ای فعالی داشته باشد.

حتی در مقاطع زمانی مختلفی که تلاش بر این بوده ایران انزوگرایی را انتخاب کند، مداخلات مردم و نقش افکار عمومی باعث شده که مجدداً توجه به ارتباطات بین‌المللی به منزله مهم‌ترین راهکار حل مشکلات کشور شکل بگیرد. شاید کمتر کشوری در دنیا مانند ایران وجود دارد که بیشترین نقاط عطف سیاسی کشورش متأثر از یک عامل بین‌المللی باشد. به عبارتی نقش عوامل بین‌المللی در بسیاری از تحولات سیاسی ایران تعیین‌کننده یا زمینه‌ساز و حمایتی بوده و شرایط ایران بسیار خاص است.

پس از روی کار آمدن ترامپ نیز برجام متوقف شد و تمام تلاش هیئت حاکمه آمریکا تا به امروز وارد کردن فشار حداکثری به ایران است تا به لحاظ ارتباطات سیاسی، اقتصادی و بانکی بین‌المللی در محدودیت شدیدی قرار گیرد. البته ایران ظرفیت‌های بالایی برای مقاومت دارد، اگرچه بسیاری از ظرفیت‌های اقتصادی رو به تحلیل رفته و ایران در این وضعیت گزینه تعامل و ارتباط راهبردی با چین را برگزیده است.

اکنون که آمریکا به عنوان یکی از بازیگران اصلی نظام بین‌الملل در صدد محدود کردن ایران است و اروپا هم تعاملات خود را با ایران به حداقل رسانده، شرایط ایران ایجاب می‌کند که با چین به عنوان دومین قدرت اقتصادی دنیا تعاملات و ارتباطات گسترده و راهبردی برقرار کند. بنابراین قرارداد همکاری راهبردی ایران و چین در این وضعیت معنا و مفهوم پیدا می‌کند.

درباره بعضی نگرانی از طولانی بودن این قرارداد و امکان شکل‌گیری نوعی سلطه از سوی چینی‌ها میتوان گفت قاعده «نفی سبیل» و عدم سلطه کفار بر مسلمانان از قواعد مهم دینی در حوزه روابط بین حکومت اسلامی با غیراسلامی است که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم بیان شده و یکی از مصادیق پذیرش سلطه، دادن پایگاه‌های نظامی به طرف بیگانه است. در واقع سلطه شامل چنین مصادیقی است، اما توافق همکاری ایران و چین در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، ارتباطاتی، امنیتی، گردشگری و سرمایه‌گذاری خارجی است. ایران در وضعیت فعلی به شدت نیازمند سرمایه‌گذاری خارجی است و از طرفی کمتر کشوری، با توجه به فشارهای حداکثری آمریکا بر ایران، حاضر به سرمایه‌گذاری مستقیم در کشورمان است. بنابراین چین به عنوان یک انتخاب راهبردی برای ایران قطعاً می‌تواند گشایش‌های خیلی جدی در تعاملات اقتصادی، بانکی و صنعتی ایران ایجاد کند.

قطعاً دقت لازم در کشور در مورد چنین قراردادهایی وجود دارد تا منجر به سلطه طرف بیگانه نشود. شاید در طول تاریخ ایران هیچ موقع به اندازه این چند دهه پس از انقلاب، حساسیت نسبت به عوامل بیگانه در کشور وجود نداشته، به نحوی که برخی از این حساسیت‌ها به افراط کشیده شده و چارچوب‌های منافع ملی کشور را نیز زیر پا گذاشته است. بر این اساس برخی نگرانی‌ها از عدم رعایت قاعده نفی سبیل و برقراری سلطه بیگانه بر ایران چندان بجا نیست و با شرایط امروز ایران سازگاری ندارد.

هر کشوری که به دنبال توسعه است می‌بایست با محیط بین‌المللی تعامل داشته باشد و امکان توسعه همه‌جانبه بدون تعامل فعال و همکاری با کشورها و مجامع بین‌المللی فراهم نیست و لذا ایران به عنوان یک الزام استراتژیک به همکاری با چین روی آورده است.

عبدالرضا فرجی راد سفیر اسبق ایران در نروژ، استاد ژئوپلیتیک و کارشناس مسائل بین‌الملل پیرامون قرارداد راهبردی ۲۵ ساله ایران و چین بر این باور است که اگر برجام هم به قوت خود باقی بود هرچه سریعتر این سند به تصویب می‌رسید چون هیچ راهی برای توسعه و پیشرفت پایدار کشور جز تصویب این سند با چینی‌ها وجود ندارد. به هر حال موانع زیادی برای همکاری ایران با

اروپا وجود دارد. یک روز مسئله حقوق بشر، روز دیگر توان موشکی و دفاعی، مسئله نفوذ منطقه ایران و یا پرونده فعالیت های هسته ای در صورتی که هیچ کدام از این مسائل نقاط نگران کننده و حساسی برای چینی ها محسوب نمی شوند.

در دنیای روابط بین الملل، اقتضائات جدیدی حاکم است و این اقتضائات جدید نشان می دهد که اساساً بلوک بندی جنگ سرد دیگر رنگ باخته است. لذا دیگر می توان عنوان کرد که اکنون کشورهای یا باید به بلوک شرق وابسته باشند و یا در بلوک غرب جای بگیرند. حتی خود کشور چین و روسیه که از آنها به عنوان بلوک شرق یاد می کنند دیگر نگاه دوقطبی کلاسیک به نظام روابط بین الملل ندارند و در مقابل نیز کشورهای جهان، حتی کشورهای اروپایی نیز چنین چارچوبی را در مناسبات خود با پکن و مسکو تنظیم نمی کنند. اگر شما به روابط چین و روسیه با آمریکا و متحدان اروپایی و همچنین آسیایی آنها نگاه کنید، می بینید که اکنون این مناسبات ترکیب و تلفیقی از همکاری های دو یا چند جانبه و همچنین رقابت های سیاسی، دیپلماتیک، امنیتی و نظامی است. اما شرایط به گونه ای نیست که بتوان گفت بلوک بندی جنگ سرد در روابط آنها وجود دارد. همین کشور چین و روسیه علاوه بر آن که سعی می کند روابط گرمی با جمهوری اسلامی ایران و کشورهای همسو در منطقه داشته باشند، از آن سو تلاش جدی برای پیگیری روابط گرم و حسنه با عربستان سعودی، امارات متحده عربی و دیگر کشورها دارند. از این رو قطعاً پیگیری و تصویب این قرارداد جامع ایران با چین به معنای چرخش کامل تهران به سمت بلوک شرق و نگاه به شرق صرف نیست. نکته دیگر این است که اگرچه اکنون در رسانه ها از این قرارداد به عنوان قرارداد ۲۵ ساله راهبردی ایران و چین یاد می شود، اما هنوز از مدت زمان واقعی این قرارداد خبری در دسترس نیست. شاید این قرارداد کمتر از ۲۵ سال باشد، شاید هم بیشتر از آن. اما در حال حاضر از این قرارداد به عنوان قرارداد جامع همکاری های راهبردی ۲۵ ساله ایران و چین یاد می شود. اگر تهران بتواند بر اساس این توافق منافع خود را در همکاری با چین پی بگیرد، کشور می تواند بنای یک توسعه گسترده، باثبات و راهبردی را، آن هم در شرایط تحریمی کنونی در دستور کار قرار دهد. ایشان معتقد است که ای کاش در این چند سال ما این فرصت گرانبها را از دست نمی دادیم و پیشتر این قرارداد با چینی ها به تصویب می رساندیم. عملیاتی شدن این توافقنامه ایران و چین می تواند به عنوان رقابت بین اروپا و چین در افزایش همکاری های تجاری با ایران عمل کند. پس بهترین و منطقی ترین سناریو آن است که ایران روابطی همه جانبه، گسترده و پایدار با همه کشورهای جهان از چین تا اروپا گرفته، داشته باشد. خصوصاً که جایگاه ژئوپلیتیک جمهوری اسلامی ایران در منطقه، هم برای چینی ها و هم برای اروپایی ها بسیار حائز اهمیت است. برای رسیدن به این نقطه لازم است که این قرارداد باید یک نگاه فرادولتی و راهبردی پیگیری شود. یعنی با تغییر دولت ها نباید خللی در پیگیری این توافق صورت نگیرد. مضاف بر آن همه وزارتخانه ها، نهادها و ارگانها باید در یک برنامه ریزی دقیق، منسجم و در یک وحدت رویه سهم خود را در پیگیری این توافقات ایفا کنند و این گونه نباشد که این سند به حال خود رها شود و یا هر وزارتخانه ای به صورت جزیره ای عمل کند. همان گونه که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مطرح شده است ما شعار نه شرقی و نه غربی را در سیاست خارجی خود داریم و در طول سال ها نیز عملاً این سیاست از سوی دولت ها در دستور کار قرار گرفته است. اما چون در طول این سال ها شدت تنش ها اروپایی ها و نیز ایالات متحده آمریکا با جمهوری اسلامی ایران بیشتر شده، این تصور شکل گرفته است که ایران سیاست نه شرقی و نه غربی را کنار گذاشت و به سمت همکاری و گرایش بیشتر با روسیه و چین رفته است. در صورتی که اساساً جمهوری

اسلامی ایران هیچ گاه در پیگیری منافع ملی و راهبردی خود هیچ گونه وابستگی به شرق و غرب ندارد. (فتح اللهی، عبدالرحمن، ۱۳۹۹)

۳-۴. نفی سبیل در انعقاد قرار داد برجام

در کنار سیاست کلان نفی سبیل در نظام اسلامی در بعضی مواقع مصلحتی عارض می‌شود که مقتضی است مطابق شرایط و پیشبرد اهداف کلان، قراردادی تنظیم شود که شاید در کوتاه مدت، منطبق بر سبیل کفار بشود و موجب برتری نظام سلطه یا کفار بر مسلمانان گردد اما نهایتاً در درازمدت به نفع جامعه اسلامی تمام می‌شود. بر اساس این توضیحات اگر جامعه اسلامی قراردادی را منعقد کند که موجب سبیل به صورت مطلق شود طبیعتاً پذیرفته نخواهد بود مگر اینکه مطابق اضطرار، اجبار و به صورت مقطعی صورت پذیرد.

گاهی اوقات برای پیشبرد اهداف باید استراتژی خاصی به کار برد و این استراتژی در جنگ همواره مسیر رو به جلو نیست گاهی اوقات ممکن است این راهبردها با حرکت به چپ و راست و یا با عقب نشینی و سکون همراه باشد؛ بنابراین در برخی موارد اگر مصلحت اقتضا کند قراردادی امضا می‌شود که در کوتاه مدت به نفع نیست اما در بلند مدت قطعاً به نفع خواهد بود، چنین قراردادهایی مشکلی ندارد و شاهد مثال این سخن، قرارداد صلح نامه حدیبیه بود که پیامبر اکرم (ص) با مشرکان مکه بست که ظاهراً و در کوتاه مدت نفی سبیل محسوب می‌شد طوری که جزئیات مفاد این قرارداد چنین بود: ۱- قریش و مسلمانان پیمان می‌بندند که در طول مهلت قرارداد، با یکدیگر نجنگند و به یکدیگر شبیخون نزنند، ۲- هرگاه فردی از مکه از میان قریش بگریزد و به مسلمانان پناه آورد، محمد (ص) باید او را به قریش بازگرداند، ولی اگر یکی از مسلمانان به سوی قریش گریخت، قریش موظف به بازگرداندن او نیست، ۳- محمد (ص) و پیروان او بایست این سال به مدینه بازگردند و در سال آینده و سال‌های پس از آن، می‌توانند برای زیارت کعبه به مکه بیایند، به شرط آن که سه روز بیشتر در مکه نمانند و سلاحی جز شمشیر در غلاف، به همراه نداشته باشند، ۴- قریش و مسلمانان پیمان می‌بندند که اموال یکدیگر را به رسمیت بشناسند.

گاهی اوقات قرارداد اگر مشتمل بر نفی سبیل باشد اگر نفی سبیل به صورت دائم، باشد و حکم به سلطه کفار کند، جایز نیست اما اگر سبیل، نفوذ و قدرت کفار به صورت موقت باشد و این قرارداد، به عنوان استراتژی برای برون رفت از بحران و به دست گرفتن قدرت جدید منعقد شود قرارداد منعقد شده قابل توجیه است به شرط اینکه موقت باشد.

سید سجاد ایزدهی معتقد است که به طور خاص در مورد قرار داد برجام پیش از انعقاد این قرارداد گروهی آمدند، شعار دادند و تاکید داشتند که تنها راه برون رفت از مشکلات کشور طی مسیر مذاکره است از این رو رهبر معظم انقلاب نیز بر اساس ضوابط مشخصی به آنها اجازه دادند تا طبق آن ضوابط این مسیر را طی کنند در حالی که آن مسیر طی نشد برای همین برجام نه تنها در کوتاه مدت بلکه در بلند مدت نیز برای کشور دستاوردی به ارمغان نیاورد گرچه توفیقات محدودی داشت و آن به رسمیت شناخته شدن اصل هسته‌ای شدن و اصل ایران هسته‌ای بود اما در نهایت اگر به اینجا منجر شود که به واسطه یک نرمش قهرمانانه یک امری که بالذات مناسب نیست و چشم انداز مناسبی از آن متصور نمی‌شود برای کشور منفعت حاصل کند چه بهتر اما اگر منفعتی از آن

کسب نشود طبیعتاً مردم که در رأس نظام هستند به این باور خواهند رسید که به دست آوردن قدرت با تکیه بر توان نیروهای خارجی میسر نخواهد بود که این باور و یقین آورده‌ای برای نظام خواهد داشت اما بحث اصلی آن است که ما آورده حداکثری داشته باشیم یا آورده حداقلی؟

اگر همین گروه به مردم و نیروهای داخل نظام باور داشتند قطعاً چنین اقدامی انجام نمی‌دادند اما چون یک تلقی و نگاه به بیرون داشتند و دارند سبب شد نظام یک تعامل راهبردی برای آنها انجام دهد تا در نهایت این تحریم‌ها برداشته شود یا این نوع نگاه کلان از بین برود. اما اگر این نگاه به بیرون وجود نداشت و نگاه‌ها فارغ از برجام مبتنی بر قدرت داخلی بود قطعاً راحت تر می‌شد همه بحران‌ها را از بین برد و بی اثر کرد؛ بنابراین قدرت درونی حاصل می‌شد. این قدرت درونی بر قدرتمند شدن اقتصاد و صنعت هسته‌ای نیز تأثیر شگرفی می‌گذاشت. این فرایندی که نظام در حال پیگیری آن است و با وجود فراز و نشیبی که وجود دارد اما عملاً با وجود نکاتی که از دست دادیم و خسارت بود امروز علی‌رغم زمان و ظرفیت‌های زیادی که از دست دادیم جایگاه هسته‌ای کشور افت نکرده است.

امروز با وجود این قرارداد توان هسته‌ای جمهوری اسلامی ایران افت نکرده و نابود نشده حتی تولیدات داخلی کشور مبتنی بر آن رویکرد حداکثری اضافه شده است که نشان می‌دهد عملاً توان بازدارندگی ایران در عرصه‌های اقتصادی و تحریم‌ها اضافه شده و صادرات نفتی به مراتب کم و شرکت‌های دانش بنیان افزایش یافته است. بر همین اساس غربی‌ها مجدداً می‌خواهند ایران را پای میز مذاکره بکشانند چرا که می‌بینند تحریم‌ها عملاً کارایی خود را از دست داده و این تحریم‌ها در بازه زمانی دو یا سه سال تأثیر دارد و بعد از این زمان دیگر تأثیری نخواهد داشت برای همین آنها با هدف شرطی کردن اقتصاد مجدداً بحث برجام را مطرح کردند چرا که آورده برجام به اندازه آورده داخلی نخواهد بود حال با این توضیحات تصور کنید همچنان با افرادی مواجه هستیم که برای از بین بردن و دور زدن تحریم‌ها همچنان نگاهشان به بیرون است نه اینکه بخواهند تحریم‌ها را از بین ببرند بلکه تنها به دور زدن تحریم‌ها فکر می‌کنند در حالی که می‌شود تحریم را بی اثر کرد و آن را با توان داخلی از بین برد. اما مساله اصلی دو نکته است؛ نخست کارگزاران مبتنی بر نگاه غرب محور و دیگر مردم به عنوان پایه نظام، باید این باور برایشان حاصل شود که بیرون از مرزها چیزی برای کشور حاصل نمی‌شود و تنها باید قدرت داخلی خود را تقویت کرد.

جمع بندی.

از نظر سیاسی نفی سبیل بر نپذیرفتن تحت‌الحمایگی، نفی ظلم و استبداد و استعمار، جایز نبودن مداخله بیگانگان در امور داخلی و خارجی کشورهای اسلامی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی مورد تأکید است. این قاعده، ضمانت‌بخش عزت مسلمانان در برابر کفار است. شاید در قرآن کریم پس از موضوع جهاد در سیاست خارجی دولت اسلامی هیچ مسئله سیاسی دیگری نظیر نفی ولایت غیر مسلمانان بر مسلمان تأکید نشده باشد. از بعد سیاست خارجی، اسلام همواره بر عزت و استقلال مسلمانان تأکید ورزیده و جایز نمی‌داند که کفار بر سرنوشت و مقدرات مسلمانان مسلط و مستولی شوند. به نظر می‌رسد امروز قاعده نفی سبیل در قانون اساسی، دیدگاه‌های امام خمینی (رحمه الله علیه) و سیاست‌های کلی برنامه توسعه کشور، جایگاه رفیع و پایداری را به خود اختصاص داده

و به دستورالعملی برای سیاست خارجی کشور تبدیل شده است. علاوه بر این، رئوس کلی رفتار سیاسی و روابط بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران طی این سه دهه که دستگاه دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران باعث و بانی دسته‌بندی کشورها در مناسبات سیاسی بوده است، کمی فراتر از قاعده نفی سبیل توانسته است گام بردارد. این اصل تاکنون به زمینه و ابزاری دینی برای دفاع از جهان اسلام، جهان سوم و به طور کلی مستضعفان جهان تبدیل شده و در قالب ظلم‌ستیزی، مبارزه با استکبار جهانی و مواجهه با بی‌عدالتی‌های موجود در عرصه بین‌المللی نمود یافته است. گرچه هر یک از استراتژیها در بعضی مواضع و شرایط با مفاد قاعده نفی سبیل نزدیک می‌باشد؛ اما استراتژیهای مطرح در نظام بین‌الملل نمیتواند کاملاً منطبق بر قاعده نفی سبیل باشند؛ به لحاظ اینکه مفهوم نفی سبیل «استقلال» را می‌فهماند و موضوع آن وجود هر گونه سلطه و سبیل کفار بر مسلمانان می‌باشد و هر زمانی که این موضوع تحقق یابد، حکم قاعده «نفی هر گونه سلطه» بوجود می‌آید؛ به عبارت دیگر ملاک ما در اتخاذ استراتژیهای مذکور نفی سبیل می‌باشد؛ بدین صورت که در برخی موارد، نفی سبیل ایجاب میکند که به سیاست انزوایی رو آورده شود و در بعضی مواقع سیاست عدم تعهد و بیطرفی را پیشه راه خود کنیم همچنین امکان دارد به خاطر نفی سبیل، سیاست ائتلاف و اتحاد با کشورهای اسلامی و غیر محارب رادر جهت تحقق اهداف اسلامی عملی کنیم. به نظر میرسد به طور کلی در شرایط کنونی جوامع، برای برقراری توسعه در زمینه های مختله سیاسی و اقتصادی با حفظ عزت اسلام وزیر بار زور نرفتن کشورهای اسلامی باید با کشورهای دنیا رابطه ایجاد کرد و دستاوردهای علمی، فرهنگی و اقتصادی رد و بدل شود.

منابع

قران کریم

آقا مهدوی، اصغر و اکبری، محمود، آبان ۱۳۹۱، رابطه قاعده نفی سبیل با استراتژی های مطرح در سیاست خارجی، فصلنامه بررسی های حقوق عمومی، شماره ۱

ارجحینی، حسین، (۱۳۸۶). (نفی سلطه پذیری در سیاست خارجی دولت اسلامی)، فصلنامه فقه و اصول، شماره ۳

رایگان، محمود و قاسمیان، رضا (۹ تیر ماه ۱۳۹۵). (نقش قاعده نفی سبیل در توسعه جوامع اسلامی)، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۷۱

زارعی، بهادر؛ زینی، علی و محمدی، کیمیا (۷ مرداد ۱۳۹۴). (قاعده نفی سبیل در اندیشه اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی)، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۳۶، صص ۱۶۷، ۱۸۲

زنگنه شهرکی، جعفر (۱۳۹۱). (قاعده نفی سبیل در آرای فقهی و مواضع سیاسی صاحب عروه)، مجله فقه، شماره ۷۳

علیدوست، ابوالقاسم، (۱۴ خرداد ۱۴۰۰). (تعیین مصداق اثبات و نفی سبیل را باید به عهده متخصصان گذاشت)، سایت a-

apidoost، اردیبهشت ۱۴۰۱

فتح اللهی، عبدالرحمن، (۱۳ تیر ۱۳۹۹). (توسعه مناسبات با پکن تنها راه پیشرفت کشور در شرایط حاضر))، سایت دیپلماسی ایرانی، اردیبهشت ۱۴۰۱

کریمی، غلامرضا؛ (تیر ۱۳۹۹). (همکاری ایران با چین یک الزام راهبردی است))، خبرگزاری ایکن، اردیبهشت ۱۴۰۱
نیکومنش، امراله، بهرامی نژاد، علی و فرید، امن اله؛ اسفند ۱۳۹۹. (رابطه معاهده نفی سبیل با معاهده برجام))، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، شماره ۵۳، صص ۱۳، ۱۱

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸)، تهران، نشر میزان